

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَقْرءُ و رَبِّكَ الْاَكْرَمِ،

الذِّی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَم

۲۱۹۳۰



شماره ۵۱ / ۱۳۸۱

وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
دانشگاه قم

وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری
دانشگاه قم
دانشکده علوم انسانی

گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی
پایان نامه تحصیلی
جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

«مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن»

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله امیدی فرد

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی

نگارنده:

«حسین علی صدیق»

۳۱/۲۳۵

شماره: ۱۲۷۵/ت

تاریخ: ۱۰/۱۰/۸۰

پیوست:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

دانشگاه قم

صور تجلسه دفاع

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه

کارشناسی ارشد:

آقای سینلی صدیق در رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی
تحت عنوان: مفهوم ابتداء و آثار حقوقی آن

با حضور استاد راهنما و هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۱۰/۱۰/۸۰ تشکیل
و با موفقیت دفاع گردید.

نمره با عدد: ۱۰۹ با امتیاز: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول غیر قابل قبول

نمره با حروف: نور، سماج دریافت نمود.

۱- استاد راهنما: دکتر عبدالامیدی فارد

۲- استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی وثوقی

۳- اساتید ناظر: حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حمیدی خراسانی

۴- تحصیلات تکمیلی: دکتر سیدرضا مؤدب

«مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن»

نگارنده: حسین علی صدیق

تقدیم

در این فرخنده ایام میمون و خجسته ماه مبارک رجب و بعثت نبی گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ، این بضاعت اندک را به پیشگاه ملکوتی و مقدس مشعل داران و هادیان جامعه بشریت، چهارده معصوم علیهم السلام، خاصه بقیة الله الاعظم، حضرت حجة بن الحسن العسکری، روحی وارواح العالمین له الفداء، تقدیم می دارم که با تکیه به کعبه توحید، وذو الفقار بران مولای موحدان و پیشوای متقیان علی علیه السلام و شعار مقدس الله اکبر ولاله الا الله، ریشه های نفاق و ظلم، الحاد و ارتداد را بر خواهد کند و بشریت را به سوی شاه راه هدایت و صراط مستقیم الهی رهنمون خواهد شد.

امید است در آستان ملکوتی و قدسشان مقبول واقع شده و ذخیره العقبی این حقیر گردد.

بیست و سوم مهرماه سال یک هزار و سیصد و هشتاد هجری شمسی
مصادف با بیست و هفتم رجب المرجب سال یک هزار و چهار صد بیست و دو
هجری قمری

و بعثت نبی گرامی اسلام ﷺ

احقر العباد: حسینعلی صدیق

تشکر و قدردانی:

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از اساتید بزرگوار آقایان جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله امیدی فرد، استاد محترم راهنما، و جناب حجة الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی، استاد محترم مشاور، و همه عزیزانی که در طول انجام تحقیق حاضر با گشاده رویی تمام و نهایت خلوص از هیچ گونه مساعدت و راهنمایی های برادرانه و دلسوزانه دریغ نفرمودند و همواره پذیرای ما بودند و در رفع اشکالات تحقیق و زدودن نقاط ابهام آن نهایت کمک و مساعدت را نمودند اعلام می دارم.

هم چنین از والدین و فرزندان عزیز و همسر شکیبایم صمیمانه سپاسگزارم که در طول سال های تحصیل و انجام این تحقیق هر نوع کاستی را در زندگی تحمل کرده و صبورانه ناهمواری های راه تحصیل را بر ما هموار کردند.

از درگاه احدیت برای همه این عزیزان، توفیق روز افزون و سعادت دنیا و عقبی را آرزو مندم.

چکیده

واژه «ارتداد» و «ردّه» نزد تمام لغویون به معنای «رجوع» «بازگشت» است. خواه از دین باشد و خواه غیر آن، تنها راغب اصفهانی، واژه «ردّه» را به معنای «رجوع از دین» در نظر گرفته است. از این رو نسبت «معنای لغوی» این واژه با آنچه در اصطلاح فقهاست، از نسب اربع، عموم و خصوص مطلق است مگر واژه «ردّه» از نظر راغب که رابطه آن تساوی است.

ارتداد در تعالیم اسلامی قرآن کریم و احادیث و سیره معصومین علیهم السلام صرف بازگشت از دین و تغییر عقیده نیست، بلکه «مرتد» کسی است که پس از تبیین حق و حقیقت و گردن نهادن به دین، از روی لجاج و عناد و به قصد ضربه زدن به دین و بر اندازی نظام به جحد و انکار حق می پردازد و از دین الهی روی بر می تابد و الوهیت پروردگار متعال و یا رسالت نبی گرامی اسلام و یا یکی از ضروریات دین را منکر می شود، بدون آنکه وجود شبهه یا جهل و قصوری در انکار او دخیل باشد.

مشهور فقهاء با استناد به روایات مأثوره و اجماع امامیه معتقدند، اگر ارتداد فطری باشد و شرایط عامه تکلیف (بلوغ، عقل، اختیار و قصد) در فرد، تمام باشد، باید در دم کشته شود و هرگز مستحق مهلت و استتابه نیست. چنین کسی از هر نوع حق تمتع و تصرف در اموال خود و حق استیفاء محروم بوده و در حکم اموات و بهائم است و از همان لحظه ارتداد ترکه او بین ورثه تقسیم می شود و همسر او جدا شده و عده و وفات نگه می دارد.

ملاک و معیار واقعی در ارتداد بر مبنای این تحقیق، این است که «جزئیت شیء مورد انکار در دین، نزد شخص منکر «معلوم» باشد. در فقه شیعه، ارتداد بر دو نوع «ملی» و «فطری» است.

«مرتد فطری» کسی است که در حین انعقاد نطفه‌اش، لااقل یکی از والدین او مسلمان بوده، و او نیز هنگام بلوغ، اسلام اظهار نموده و سپس مرتد گشته است.

«مرتد ملی» کسی است که والدین او به هنگام انعقاد نطفه‌اش، کافر اصلی بوده و او به هنگام بلوغ، اسلام می‌آورد ولی پس از آن مرتد می‌گردد.

مرتد ملی و زن مرتد از حکم «قتل» و تقسیم اموال بین ورثه در اول لحظه ارتداد، استثناء شده و لازم است حاکم اسلام از آنها استتابه نماید و در صورت استنکاف مرتد ملی به قتل می‌رسد و دیگر احکام در مورد او به اجرا در می‌آید، ولی زن مرتد در زندان محبوس می‌شود، و همواره در مضیقه خوراک و پوشاک قرار داده می‌شود و در هنگام صلوات خمس کتک زده میشود تا توبه کند و آزاد شود و یا در زندان بمیرد. وی از لحظه ارتداد از شوهرش جدا شده و باید عده طلاق نگه دارد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات «مفهوم ارتداد»	۱
بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی ارتداد	۱
گفتار اول: معنای لغوی ارتداد	۱
گفتار دوم: «ارتداد» و «مرتد» در اصطلاح فقهاء	۳
بخش دوم: مظان بحث ارتداد در منابع فقهی	۶
گفتار اول: مبحث ارتداد در متون فقهی	۶
گفتار دوم: نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم در زمینه ارتداد	۷
گفتار سوم: نمونه‌هایی از احادیث معصومین <small>علیهم‌السلام</small> در زمینه ارتداد	۹
بخش سوم: ارتداد در سطر تاریخ	۱۴
گفتار اول:	۱۴
ارتداد در تاریخ قبل از اسلام میان یهود و نصاری به تصریح قرآن کریم	۱۴
گفتار دوم: ارتداد در عهد عتیق (تورات)	۱۵
گفتار سوم:	۱۶
ارتداد در میان اعراب جاهلی	۱۶
گفتار چهارم: ارتداد در تاریخ اسلام	۱۸
بخش چهارم: مفهوم «اسلام» و «کفر»	۲۰
گفتار اول: مفهوم «اسلام»	۲۰
گفتار دوم: مفهوم کفر و موجبات آن	۲۷
بخش پنجم: موجبات ارتداد	۲۹
گفتار اول: انکار خدا و رسول <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۳۰
گفتار دوم: انکار «ضروری دین»	۳۱
بخش ششم: ضروری دین چیست؟	۳۲
گفتار اول: مفهوم «ضروری دین» و مسئله «انکار» آن	۳۲
گفتار دوم: آیا «ضروری دین» یک عنوان منصوصه شرعی است؟	۳۳
یا مصطلح فقهاست؟	۳۳
گفتار سوم: تقسیم احکام شرعی به دو نوع بدیهی و نظری	۳۶
گفتار چهارم: آیا انکار «ضروری دین» سبب مستقل ارتداد است؟	۳۹
الف: قائلین به سببیت استقلالی	۴۲

- ب: پاسخ به ادله قائلین به سببیت مستقلة ۴۲
- ج: رفع شبهات و تذکر نکاتی مهم ۴۵
- د- بررسی اجمالی دیگر اخبار مورد تمسک قائلین به سببیت استقلالی ۴۷
- گفتار پنجم: مغایرت «اسلام» و «مسلمان بودن» در ماهیت ۵۰
- گفتار ششم: قائلین به سببیت غیر مستقلة ۵۲
- گفتار هفتم: تفصیل در جاهل قاصر و مقصر ۵۳
- خلاصه آنچه که مرحوم سید محسن حکیم در این باره بیان کرده است: ۵۵
- خلاصه آنچه مرحوم خوئی بیان فرموده است: ۵۶
- گفتار هشتم: تفصیل در فروع و اصول دین ۵۶
- گفتار نهم: کفایت «اعتراف و تصدیق اجمالی» ۵۷
- بخش هفتم: ۵۹
- انکار «ضروری مذهب» ۵۹
- گفتار اول: مفهوم «مذهب» و فرق آن با «دین» ۵۹
- گفتار دوم: آیا «تشیع» مذهب است؟ ۶۰
- گفتار سوم: آیا انکار «ضروری مذهب» توسط پیروان مذاهب دیگر موجب ارتداد است؟ ۶۰
- گفتار چهارم: انکار «ضروری مذهب» توسط پیروان آن ۶۱
- بخش هشتم: انکار مجمع علیه: ۶۵
- بخش نهم: آیا سبب نبی یا امام معصوم سبب مستقلى بر ارتداد است؟ ۶۶
- بخش دهم: آیا شک و تردید در اصول یا ضروریات دین موجب ارتداد است؟ ۶۷
- بخش یازدهم: آیا ارتداد صرف تغییر عقیده است؟ ۷۰
- گفتار اول: بیان نمونه‌هایی از آیات و کاربرد «ارتداد» در آنها ۷۲
- گفتار دوم: کاربرد «ارتداد» در روایات امامیه ۷۷
- یک اشکال ۷۹
- گفتار سوم: کاربرد «ارتداد» در روایات اهل سنت و جماعت ۸۰
- گفتار چهارم: ارتداد در منظر فقهای امامیه ۸۲
- خلاصه آنچه در مورد مفهوم ارتداد بیان شد ۸۳
- فصل دوم: آیا حکم ارتداد از حدود است یا تعزیرات؟** ۸۷
- فصل سوم: اقسام ارتداد** ۹۰
- بخش اول: ارتداد ملی و فطری ۹۰
- گفتار اول: «ملاک در ارتداد فطری» ۹۱

- الف: تبعیت از والدین..... ۹۱
- ب: اظهار اسلام و اقرار به شهادتین هنگام بلوغ..... ۹۴
- فصل چهارم: شرایط ارتداد**..... ۹۹
- گفتار اول: بلوغ..... ۹۹
- گفتار دوم: عقل..... ۱۰۰
- گفتار سوم: اختیار..... ۱۰۰
- یک سؤال: «آیا ادعای اکراه پذیرفته می‌شود»..... ۱۰۱
- گفتار چهارم: قصد..... ۱۰۲
- گفتار پنجم: آیا سکران دارای قصد است؟..... ۱۰۳
- گفتار ششم: آیا ارتداد هازل تحقق می‌یابد؟..... ۱۰۴
- فصل پنجم: طرق اثبات ارتداد**..... ۱۰۷
- گفتار اول: «اقرار»..... ۱۰۷
- گفتار دوم: پینه..... ۱۰۷
- گفتار سوم: صدور قول یا فعل دال بر ارتداد..... ۱۰۹
- علم قاضی..... ۱۱۰
- گفتار چهارم:..... ۱۱۰
- تذکری عبرت انگیز..... ۱۱۰
- فصل ششم: بررسی ارتداد برخی از فریق اسلامی**..... ۱۱۵
- گفتار اول: فرقه غلات و ناصیین..... ۱۱۵
- گفتار دوم: فرقه «مجسمه»..... ۱۱۵
- گفتار سوم:..... ۱۱۷
- فرقه‌های مشبهه و مجبّره و مفوضه..... ۱۱۷
- نتیجه گیری:..... ۱۱۷
- فصل هفتم: «مجازات مرتد»**..... ۱۲۰
- بخش اول: سه عنصر لازم در تحقق «مجرمانه بودن رفتار»..... ۱۲۰
- بخش دوم: عقوبت در انواع ارتداد..... ۱۲۱
- گفتار اول: الف عقوبت مرتد فطری..... ۱۲۱
- ب: عقوبت مرتد ملی..... ۱۲۲
- گفتار دوم: اختلاف زن و مرد در عقوبت ارتداد..... ۱۲۲
- گفتار سوم: مجازات «قتل» مرتد توسط چه کسی اجراء می‌شود؟..... ۱۲۴
- گفتار چهارم: قتال با اهل الردّه واجب است..... ۱۲۵



- ۱۲۵..... ۴- ۱: رفع یک شبهه
- ۱۲۶..... گفتار پنجم: نوع عقوبت در صورت تکرار ارتداد
- ۱۲۷..... گفتار ششم: ارتداد و مسؤلیت مدنی
- ۱۲۸..... گفتار هفتم: ارتداد و مسؤلیت کیفری
- ۱۲۹..... گفتار هشتم: مرتد فطری در حکم بهائم واموات است
- ۱۳۰..... بخش سوم: مرتد و اهلیت او در تمتع و استیفاء حقوق مدنی
- ۱۳۰..... * الف: مرتد فطری
- ۱۳۱..... ب: مرتد ملی
- ۱۳۲..... بخش چهارم: ارتداد و رابطه آن با ترک تابعیت در حقوق بین المللی خصوصی
- ۱۳۸..... **فصل هشتم «احکام مرتد»**
- ۱۳۸..... بخش اول: حکم اموال مرتد
- ۱۳۸..... گفتار اول: الف: حکم اموال موجود در مرتد فطری
- ۱۳۹..... ب: حکم اموال متجدد در مرتد فطری
- ۱۴۰..... ج - حکم تصرف در اموال در مرتد فطری
- گفتار دوم: حکم اموال موجود و متجدد در مرتد ملی و «زن مرتد» و مسئله
- ۱۴۰..... تصرف حق
- ۱۴۱..... بخش دوم: احکام فرزندان مرتد و مسئله ولایت بر آنها
- ۱۴۱..... * الف: حکم فرزندان مرتد
- ۱۴۳..... * ب: ولایت مرتد نسبت به فرزندان
- ۱۴۳..... بخش سوم: احکام علقه زوجیت موجوده و متجدده در انواع ارتداد
- ۱۴۵..... بخش چهارم: حکم طهارت یا نجاست مرتد
- ۱۴۶..... بخش پنجم: احکام فرائض فائمه در زمان ارتداد
- ۱۵۲..... **فصل نهم: جایگاه توبه در فقه و حقوق اسلامی**
- ۱۵۲..... گفتار اول: نقش توبه در حقوق اسلامی
- ۱۵۳..... گفتار دوم: بررسی آراء فقهاء در قبولی توبه و عدم آن
- ۱۵۵..... گفتار سوم: مراد از «ظاهر» و «باطن» در مسئله پذیرش توبه
- ۱۵۸..... گفتار چهارم: بررسی مسئله «ضرورت استتابه»
- ۱۵۹..... گفتار پنجم: مدت زمان لازم برای وجوب استتابه
- ۱۶۰..... گفتار ششم: توبه مرتد به چه کیفیت است؟
- ۱۶۱..... گفتار هفتم: احکام توبه زن مرتد و مرتد ملی
- ۱۶۳..... فهرست منابع و مأخذ (کتابنامه)





مقدمه:

یکی از امتیازات انسان نسبت به دیگر موجودات، شعور و آگاهی او نسبت به حقایق عالم ماوراء طبیعت است. گرچه قرآن کریم می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۱.

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و آنان که در آسمان‌ها و زمین هستند، به تسبیح او (پروردگار) مشغول‌اند و هیچ چیزی نیست مگر آنکه او را تسبیح می‌گوید اما شما تسبیح و تنزیه آن موجودات را نمی‌فهمید».

به نظر می‌رسد تسبیح و تنزیه موجودات عالم (ماسوی انسان) تکوینی بوده و بر اساس علم و اراده و آگاهی نباشد. هنوز هیچ صاحب اندیشه‌ای با دلایل متقن نتوانسته آگاهانه بودن تسبیح و تنزیه این موجودات را به اثبات برساند، کما اینکه آیه فوق به این مطلب اشعار دارد. در این میان تنها انسان است که گوی میدان سبقت را از همگان ربوده و توانسته با کسب کمالات تدریجی و طی منازل ترقی و تعالی، نسبت به عالم غیب و نهان و حقایق هر دو جهان و وجود پروردگار حق و دیگر حقایق ماوراء طبیعت شعور و آگاهی پیدا کند و به دنبال آن، آگاهانه به تسبیح و تنزیه و کُرنش در برابر آفریدگار جهان روی آورد.

در عین حال باید اذعان کرد که انسان به دو گونه خدا را تسبیح می‌گوید: نوع اول تسبیحی است غیر ارادی. (به طوری که خود انسان از آن بی‌خبر است)! این نوع تسبیح و تنزیه توسط تمامی ذرات وجود انسان، هم‌نوا با همه ذرات عالم به طور ناآگاهانه انجام می‌پذیرد. و همان تسبیح تکوینی است.

۱. سوره مبارکه الاسراء / ۴۴.



نوع دیگر تنزیهی است که توسط اعضاء و جوارح متشکله از آن ذرات انجام می‌پذیرد.

که به طور ارادی و آگاهانه است. این همان خصیصه ایست که انسان را از سایر موجودات ممتاز می‌سازد. لازم به توضیح است که وجود عنصری و مادی انسان به منزله ظرف و کرسی و مرکب روح است. رابطه روح و جسم همانند دو روی یک سکه هستند برخی از اعضاء و جوارح کاملاً در تسخیر و اراده و اختیار روح آدمی قرار دارند. انسان بعد از آنکه پی به وجود خداوند و سایر امور غیبی می‌برد، شجره ایمان و اعتقاد. کم‌کم ریشه‌های خود را در اعماق روح و جان آدمی رشد می‌دهد و نفوذ می‌کند. و سر منشاء بروز و ظهور بسیاری از اعمال صالحه می‌گردد. رابطه ایمان و اعمال صالحه نیز همچون رابطه جسم و روح است. یعنی هر دو مکمل یکدیگرند و در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند.

و همان گونه که اعتقاد راستین، ثمره پاکی به نام اعمال صالحه به بار می‌آورد، اعمال صالحه نیز به نوبه خود سبب تقویت ایمان می‌گردد. در عین حال بایستی اذعان نمود. که رتبه ایمان مقدم بر اعمال صالحه است و فی الواقع این ایمان است که پایه و اساس اعمال صالحه را تشکیل می‌دهد و سر منشاء بروز بسیاری از اعمال خداپسندانه می‌گردد روح و روان آدمی پس از حصول آگاهی نسبت به حقایق جهان ماوراء طبیعت، و به تبع آن، پیدایش ایمان و اعتقاد به آن حقایق، با اشرافی که بر بعضی از اعضاء و جوارح دارد، آن‌ها را در برابر خالق وادار به انجام فرائض عبادی و دیگر اعمال صالحه می‌نماید. این همان تسبیح و تنزیه آگاهانه است که توسط انسان انجام می‌گیرد و بدان ممتاز می‌گردد. آنچه مایه شگفتی است و قرآن کریم بدان تصریح دارد این است که از ایمان و اعمال صالحه بندگان، آنچه به سوی خدا و عالم ملکوت صعود می‌کند ایمان است نه عمل! خداوند می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱. بنابراین این

۱. اعتقاد پاک و راستین به سوی او صعود می‌کند و عمل نیکو مایه رفعت ایمان و اعتقاد است. فاطر / ۱۰



آنچه در پیشگاه خداوند عزوجل اهمیت دارد ایمان و اعتقاد راستین است. و اینکه انجام اعمال صالحه را در بسیاری آیات به کزات و مزات (به دنبال ایمان) توصیه کرده است به خاطر این است که اعمال صالحه وسیله و نردبانی باشند. تا انسان بدان وسیله، ایمان خود را به سوی آسمان‌ها صعود دهد. وجود ایمان و فقدان آن در حیات بشر چنان حائز اهمیت است که خدای رحمان از مؤمنین (دارندگان ایمان) به «أحیاء» و از کافران «اموات» یاد کرده است. می‌فرماید: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ»^۱.

نیز می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ

لیس بخارج منها»^۲.

کمر مسئله‌ای در قرآن کریم به این اندازه مورد توجه قرار گرفته است. واژه ایمان و مشتقات آن قریب به هزار بار، و واژه کفر و مشتقات آن بیش از پانصد و پنجاه بار در قرآن کریم استعمال شده است که این امر، پرده از اهمیت موضوع بر می‌دارد. بشر موجودی است دارای خلود و جاودانگی و با مرگ زندگی او خاتمه نمی‌یابد و فنا نمی‌پذیرد. مرگ همچون پلی است که او را به سوی یک زندگی بی‌پایان و جاودانه انتقال می‌دهد. در دنیا و عقبی هیچ عنصری به اندازه وجود و فقدان ایمان، در سعادت و شقاوت آدمی تأثیر ندارد. انقلاب اسلامی ایران نیز نمایش ایمان بود. پیروزی این انقلاب که ثمره گرانقدر تلاش‌های مردم شریف ایران به رهبری رادمرد بزرگ تاریخ فقاہت و سیاست روح بزرگ خدا حضرت امام خمینی علیه السلام و جان‌فشانی‌های کبوتران سبک بال آسمان بندگی بود سرآغاز امیدبخش بازگشت به اجرای حدود و قوانین و دستورات الهی به شمار می‌رفت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۳ تزلزل ناپذیری ستون‌های اعتقادی و باورهای دینی مسلمانان که کامیابی و

۱. چگونه به خدا کفر می‌ورزید، حال آنکه مردگانی بودید که شما را «به سبب ایمان» زنده کرد» بقره/ ۲۸.

۲. الانعام/ ۱۲۲.

۳. اعراف/ ۴۳ «حمد و سپاس از آن خدائی است که ما را هدایت کرد و اگر ما را او هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم».



سعادت‌مندی جز در سایه آن ممکن نیست بیش از هر مسئله دیگری مهم جلوه می‌نماید. در گستره تاریخ هرگاه روزنه نوید بخش از نور حقیقت فرا روی ملل مسلمان پرتو افکنده است، دشمنان فرصت طلب و دین ستیز بلافاصله در صدد خاموشی آن برآمده‌اند و در بازگرداندن مردم از مبانی اعتقادی، کار سازترین ضربات را در پیکر تنومند نهضت‌های ستم سوز وارد ساخته‌اند و در این رهگذر از کار آمدترین تجربیات سیاسی و نظامی و اقتصادی خود بهره جسته‌اند و پس از شکست‌های پیاپی این تجربیات اینک تهاجم فرهنگی را آغاز نموده‌اند تا آثار ایمان و اعتقاد به عالم غیب را که سر منشاء اصلی نهضت‌ها و حرکت‌های ضد استکباری جوامع بشری است، از صفحه قلب و روح جامعه اسلامی بزدایند. زمینه سازی برای ارتداد پیروان انبیاء الهی و براندازی بساط عدالت و قسط پیشینه‌ای حتی قدیم‌تر از تلاش‌های سامری برای ارتداد قوم موسی علیه السلام دارد. لکن بی تردید حجم و عمق آن از زمان رسالت نبی گرام اسلام وسعت غیر قابل ملاحظه‌ای یافت و تاریخ پر فراز و نشیب مسلمانان مشحون از چنین توطئه‌هایی است. خاصه در دوران‌های اخیر که شیاطین زمان به تجهیزات مادی و تکنولوژی‌های جدید دست یازیده‌اند و در پرورش سلمان رشدی‌ها به جهت تخریب بنیان و پایه‌های اعتقادی ملل مسلمان هرگز از پای ننشسته‌اند و هر روز ترفند جدیدی از آنان را شاهد هستیم، «مکروا و مکرا الله والله خیر الماکرین»^۱. اکنون که به فضل الهی در تحت ظل رفیع نظام ولایت فقیه بسر می‌بریم و آن را استمرار حکومت انبیاء و ائمه معصومین علیهم صلوات الله اجمعین می‌دانیم و ایمان به مشروعیت آن، بخش از اعتقادات و مقدسات ما را تشکیل می‌دهد، ضرورت بیان احکام دین و مسائل شرعی جهت تحکیم مبانی این نظام مقدس، و روشن ساختن اذهان و تنویر افکار نسل‌های جوان و کم تجربه انقلاب که سخت در برابر طوفان توطئه‌های استکبار جهانی ضربه

۱. آل عمران ۵۴/ «آنان مکر و حيله کردند و خدا (نیز) مکر و حيله کرد (بدانید) که خداوند بهترین حيله کنندگان است».



پذیرند. ایجاب می‌نمود که پیرامون مسئله مهمی چون «مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن» به جستجو و کنکاش بپردازم تا بتوانم در این زمینه رساله مستقلی بنگارم تا پاسخ‌گوی شبهات باشد، چرا که این موضوع علی‌رغم چنین درجه‌ای از اهمیت، به دور از دید تیزبین محققان و پژوهشگران باقی مانده است و مسائل مختلف پیرامون آن در گوشه و کنار کتب فقهی و حقوقی به صورت متشتت و پراکنده در انزوا مانده است و احیاناً جویندگان و مراجعه‌کنندگان آن را با مشکل مواجه می‌سازد. از طرفی اختلاف آراء فقهای اسلام در زمینه مسائل مختلف این موضوع، آتش احساس نیاز به چنین مجموعه‌ای را بیشتر دامن می‌زد. ناگزیر دست به کار شدم تا در میان معرکه آراء و اقوال به تفحص و جستجو بپردازم، با این هدف که بتوانم در میان آن آراء، رأی و نظری که متقن و مستدل باشد و اکثریت فقهای اساطین بدان متمایل باشند همراه با ادله تفصیلی آن در این رساله بیان نمایم. شایان ذکر است که ارتداد، آن گونه که در حقوق جزای اسلام جرم شناخته شده است، در حقوق موضوعه فعلی که در میهن عزیزمان به اجراء در می‌آید، به عنوان جرم یاد نگردیده است و با توجه به اینکه این موضوع اجمالاً از مسلمات فقه است، ضرورتاً نیاز به نگرش جدی از سوی مراجع مربوطه دارد.

بدیهی است مطالبی که در این رساله بیان خواهد شد اولین و آخرین تحقیق به عمل آمده در این زمینه نخواهد بود. لیکن امید است مقدمه‌ای باشد برای ادامه راه سایر پژوهندگان. تاگام‌های بعدی به سوی تکامل تحقیق پیموده شود.



● فصل اول:

کلیات «مفهوم ارتداد»

فصل اول: کلیات «مفهوم ارتداد»

بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی ارتداد

گفتار اول: معنای لغوی ارتداد

واژه «ارتداد» مصدر ثلاثی مزید باب افتعال است. اکثر لغویین آن را به معنای «بازگشت و رجوع» (از دین یا غیر دین) ذکر کرده‌اند. شواهدی از گفتار آنان را بیان می‌کنیم:

«واژه «ارتداد» به معنای «ردّ شدن» (غیاب اللغات) و به معنای «برگشتن از دین و غیر دین (از منتهی الارب) و به معنای «رجوع و بازگشت از مسلمانی و غیر آن» (از تاج المصادر بیهقی)، «مرتدی» «قهقری» «برگشتن از دینی» یا «دین آوری» «ردّه» از اسلام برگشتن» (غیاب اللغات) می‌باشد»^۱.

«ارتداد» به معنای رجوع و بازگشت است و «الردّة» اسم مصدر آن است»^۲.

«ارتداد یعنی بازگشت و مراجعت؛ «مرتد» از همان ماده است و «الردّة» اسم مصدر از

ارتداد است»^۳.

راغب اصفهانی با تفصیل بیشتری به بحث پرداخته است. وی می‌فرماید: «ارتداد وردّه به معنای «بازگشت و رجوع به راهی است که پیموده شده است» با این تفاوت که «ردّه» منحصرأ به معنای «رجوع و بازگشت (از دین) به سوی کفر است» لکن «ارتداد» به معنای بازگشت و رجوع است خواه به سوی کفر باشد و خواه غیر آن. خداوند تعالی

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، مجلد «اختیارات، اژدها» ص ۱۶۲۴، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۲۸ ه.ق.

۲. محمدبن یعقوب فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۱، ص ۵۷۰، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۲ ه.ق.

۳. محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۳، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.م المقدسه.

فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ...»^۱. «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینہ...»^۲.

در این آیات ماده ارتداد در معنای رجوع و بازگشت از دین به سوی کفر استعمال شده است.

اما در این آیه: «فلما جاء البشیرُ القاهُ علی وجهه فارتدَّ بصیراً»^۳. ماده ارتداد در معنای «بازگشت بینائی به حضرت یعقوب (علیه السلام) استعمال شده است»^۴.

فرهنگ دهخدا نیز ارتداد را به معنای «برگشتن از دینی» و یا «دین آوری» یاد کرده است که ممکن است افزودن معنای «دین آوری» بدین جهت باشد که آوردن دین جدید ثمره بازگشت از دین قبلی و ملازم آن است. دیگر کتب لغت، ارتداد را به معنای رجوع و بازگشت معنا کرده و مرتد را مشتقی از آن ماده یاد کرده‌اند^۵.

ابن فارس می‌گوید: «مرتد» را از آن جهت مرتد گویند که خویشان را به کفر باز می‌گرداند.

در مجموعه «فرهنگ معین» نیز ارتداد به معنای «رد شدن»، «برگشتن از دین و جز آن» «از اسلام روی تافتن» «کافر شدن» «مرتد شدن» آمده است^۶.

حاصل اینکه اگر در مفهوم «ارتداد» به معنای لغوی اکتفاء کنیم، می‌توان مرتد را به صرف بازگشت از عقیده اطلاق و استعمال کرد، اما آیا ارتداد را در اصطلاح فقهاء نیز،

۱. همانا کسی که (پس از روی آوردن به دین خدا) به پشت سرخویش بازگشتند... محمد / ۲۵

۲. ای گروهی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دین برگردد... المانده / ۵۴

۳. پس هنگامی که بشیر، بشارت یوسف بیاورد، پیراهن وی بر چهره یعقوب افکند پس بینائی او بازگشت» یوسف / ۶۶

۴. حسین بن محمد بن المفضل (راغب اصفهانی) المفردات فی قریب القرآن، ص ۱۹۳، دفتر نشر کتاب چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ

۵. اسماعیل بن حمار الجوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۴۷۳، ماده «ردد» انتشارات امیری، چا اول ۱۳۶۸.

لونیس معلوف، المنجد فی اللغة، ج ۱، ص ۲۵۴، ماده «ردد» انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، تیرماه ۱۳۶۲.

فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۶۶، ماده «ردد» دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ دوم ۱۴۰۸ ق
گروهی از دانشمندان، المعجم الوسیط، ص ۳۲۸، ماده «ردد» دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ چهارم ۱۳۷۲ هـ ش
احمد بن فارس، معجم مقابیس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۶، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ ق.

۶. دکتر محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۹۰، «واژه ارتداد» مؤسسه انتشارات امیرکبیر چاپ هشتم، تهران سال ۱۳۷۱.